

## بسم الله الرحمن الرحيم

### درس‌های دموکراسی: حکومت مردم؛ دروغی بزرگ

(ترجمه)

تعریف مختصر دموکراسی عبارت از "حکومت مردم" است و این یعنی مردم در طول زندگی خویش قوانینی را وضع نموده و سپس آن را در زندگی شان تطبیق می‌کنند. ما دروغ بودن این نظریه را در ارتباط به حوادثی که در قرغیزستان اتفاق افتاده اند، ثابت می‌سازیم.

اول) در بند سوم ماده ششم قانون اساسی جمهوری قرغیزستان چنین تذکر رفته است: "معاهدات بین‌المللی که با اشتراک جمهوری قرغیزستان به امضا رسیده و با در نظر داشت روش تعیین شده و هم‌چنان با حفظ اساسات و معیارهای به رسمیت شناخته شده قانون بین‌المللی از سوی کشورها که یک روش جدایی ناپذیر از نظام قانونی قرغیزستان بوده مرعی الاجرا می‌باشد."

در حقیقت قانون تذکر یافته فوق، بیانگر گردن نهادن به قدرت استعماری که امروزه بالای جهان حاکمیت می‌کند، می‌باشد و مردم قرغیزستان هیچ گونه حق مشارکت در ایجاد این قانون نداشته و نه هم واقعیت آن را می‌فهمند. با وجود آن، این قانون وارد قانون اساسی جمهوری قرغیزستان گردید که در این کار، نه مردم قرغیزستان و نه هم نمایندگان آن‌ها هیچ نقشی نداشتند؛ بلکه استعمارگران به کمک سازمان‌های بین‌المللی آن را به اجرا در آورده اند.

پس کجاست این "حکومت مردم"؟

دوم) دموکراسی حکومت مردم نیست؛ بلکه دموکراسی در واقع همان سرمایه‌داری است. زمانی که نظام سوسیالیزم "اشتراکی" از هم پاشید و نظام سرمایه‌داری روی قدرت آمد، به جز از بعضی رهبران کسی وجود نداشت که معنای قانون "خصوصی‌سازی دارایی‌های دولت" را بدانند. مردم نمی‌دانستند که قدرت‌های استعماری این قانون را به هدف تغییر سرزمین‌های ما به دولت‌های سرمایه‌داری و غارت نمودن ثروت‌های ما از طریق تعیین حکام طرفدار نظام سرمایه‌داری، علیه آن‌ها استفاده می‌کنند و با وجود این همه و عدم فهم مردم، این قانون ایجاد گردید که در نتیجه آن و از طریق قانون خصوصی‌سازی، سرمایه‌های مردم در کشورها، به ملکیت خصوصی این رهبران تبدیل گردید. این رهبران ثروت‌های سرزمین‌های ما را به هدف رسیدن به قدرت و پولدار شدن غارت نمودند و تا امروز قدرت در میان آن‌ها دست به دست می‌شود. آن‌ها کسانی هستند که بر تمامی قوه‌های اجرائیه، مقننه و قضائیه تسلط یافته‌اند؛ قوانینی را برای خود وضع نموده و در جهت منافع شخصی شان از آن‌ها استفاده می‌کنند. آن‌ها کسانی هستند که قدرت را خودشان و یا هم فرزندان شان (صرف نظر از بعضی استثناءات) غصب نموده اند.

پس کجاست این "حکومت مردم"؟

سوم) چنانچه در نکات یاد شده قبلی واضح گردید، مردم در ایجاد قوانین زندگی خویش هیچ سهمی نداشته و توسط نهادی به نام "پارلمان" به صورت اجباری اگر چه مخالف خواست شان باشد وادار به اطاعت از این قوانین می‌گردند و هنگامی که مردم به ستوه

آمده و دست به اعتراض بزنند، این سرمایه‌داران تغییر روش داده و می‌گویند: وضعیت زندگی ما تغییر نخواهد کرد تا زمانی که نظام را تغییر ندهیم و هدف شان از تغییر نظام؛ رفتن از نظام حکومتی ریاستی به نظام حکومتی پارلمانی-ریاستی (مختلط) و یا هم نظام کاملاً پارلمانی می‌باشد که در واقع تمامی این‌ها نوعی از نظام حکومتی سرمایه‌داری پنهان شده در پشت نقاب دموکراسی می‌باشند که این سیستم رسیدن سرمایه‌داران را به قدرت از طریق بیچاره ساختن امت تضمین می‌کند.

به گونه مثال "عسکر آقایوف" اقدام به ایجاد یک "پارلمان نمونه" نمود و پارلمانی را که متشکل از دو مجلس بود، به هدف استحکام بخشیدن حکومت استبدادی اش تاسیس کرد و به ادامه آن "تشکیل حزب" را برای وارد شدن به پارلمان و به منظور منصرف ساختن توجه مردم از ظلم جاری در کشور شرط قرار داد، چنانچه حزب "اولگا قرغیرستان" که منسوب به فرزندان وی می‌باشد را وارد پارلمان ساخت که این کار منجر به سقوط وی گردید. بعد از آن "باکییوف" همراه با حزب خودش به نام "آکجال" به پارلمان آمده و تمام نواقص را به نظام "آقایوف" نسبت داد و بعد از آن نظام حکومتی مختلط را روی کار ساخت که هیچ تفاوتی با سایر نظام‌ها ندارد؛ ولی سرمایه‌دارانی که در داخل نظام بودند، منافع شان را در زمان آغاز دور ششم پارلمان، از طریق حمایت از حکومت "اتامبایوف" دانستند؛ چنانچه در حال حاضر پارلمان از حکومت "جینییکوف" حمایت می‌کند و سرمایه‌داران از این طریق منافع شخصی شان را تامین می‌کنند.

پس آیا در این میان "حکومت مردم" را می‌بینید؟

چهارم) گفته می‌شود که: "در نظام دموکراسی امکان قرار گرفتن حکومت در دست یک شخص واحد وجود ندارد" این سخن نیز یک دروغ است؛ زیرا طبیعت حکومت ایجاب می‌کند تا در دست یک شخص واحد باشد. به همین خاطر می‌بینیم که دولت‌ها تنها دارای یک رهبر هستند. در نظام ریاستی نظام دموکراسی، حکومت در دست رئیس جمهور و در نظام پارلمانی حکومت به دست صدراعظم/نخست‌وزیر می‌باشد.

به گونه مثال "آقایوف" قانون پنج مرتبه‌ای را به هدف حفظ قدرت، در حکومت پانزده ساله خودش تغییر داد، بعد از آن "باکییوف" روی قدرت آمد و قانون دو مرتبه‌ای را در طول دو ماه مبارزه بخاطر به دست آوردن قدرت تغییر داد و برای بار سوم قانون جدیدی تصویب گردید.

تمام این کارها بخاطر قرار گرفتن حکومت در دست یک شخص واحد صورت گرفته اند. هم‌چنان قانون حکومت موقت در سال ۲۰۱۰م از طریق انجام تعدیلات بالای این قانون تا سال ۲۰۲۰م منع قرار گرفت. افزون بر این "اتامبایوف" بعد از آن که فهمید از سمت ریاست جمهوری برکنار می‌شود، بلا فاصله قانون اساسی را تغییر داد و اکنون "جینییکوف" صلاحیت "اتامبایوف" را ملغی اعلام نموده و به کلیدهای حکومت دست پیدا کرد؛ زیرا امکان قرار گرفتن حکومت در دست دو نفر وجود ندارد.

از موارد یاد شده کاملاً واضح گردید که عدم امکان قرار گرفتن حکومت در دست یک شخص واحد یک حرف بی‌اساس می‌باشد. کسی که قوی و نیرومند بود به کلیدهای حکومت دست پیدا کرده و کسی که ضعیف بود قدرت‌اش در میان دیگران تقسیم می‌گردد و در نهایت یا سقوط می‌کند و یا هم طعمه‌ای برای یک رهبر قوی قرار می‌گیرد.

پنجم) چنانچه گفته می‌شود که: "سه قوه وجود دارد؛ یعنی قوه اجرائیه، قوه مقننه و قوه قضائیه و باید هر یک از این قوه‌ها بخاطر تحقق "حکومت مردم" مستقلانه عمل کنند". این نیز یک سخن بی‌اساس می‌باشد؛ زیرا ما عملاً میزان ارتباط پارلمان با قوه اجرائیه را یاد آور شدیم و اکنون اگر از قوه قضائیه صحبت کنیم، وابسته بودن آن بیشتر از پارلمان است؛ زیرا این قوه یک جمعیت گروهی مانند پارلمان نیست، در آن افراد خدمت می‌کنند و استفاده جویی از آن‌ها بسیار آسان است؛ زیرا در پارلمان منافع جمعی و منافع فردی وجود دارد؛ در حالی که در بخش قضاء تنها منافع فردی وجود دارد. هرگاه قضاء و پارلمان با رئیس دولت مخالفت نمایند، هردوی آن‌ها حق تعیین یک رهبر دیگر را دارند.

امکان دارد یکی از شما به شکل اعتراض بگوید که: "دموکراسی زبان حال کشورهای پیشرفته نیست و در کشور ما تا کنون دموکراسی رشد نکرده است" هرگاه شخصی که این سخنان را می‌گوید، به دقت نظر کند خواهد دید که سرمایه‌داری همان چیز است که در عقب نقاب دموکراسی پنهان شده است.

**ای سیاست مداران مسلمان قرغیرستان!** امکان دارد اعمالی را که بر اساس دموکراسی انجام می‌دهید، برای مردم مفید بدانید، اما الله خالق به آنچه که برای مردم مفید است، داناتر و آگاه‌تر است؛ به همین خاطر دین تان را در امور سیاسی تان حاکم بگردانید.

**ای مردم مسلمان قرغیرستان!** از روش این سیاستمداران بر اساس دموکراسی پیروی نکنید؛ بلکه آن‌ها را بر اساس اسلام محاسبه نمایید؛ زیرا شما مسلمان هستید و با این دروغ بزرگ یعنی دموکراسی که غرب استعمارگر آن را به کشورتان آورده است، فریب نخورید. در حال حاضر تمام جهان تحت نظام سرمایه‌داری پنهان شده در پشت نقاب تقلبی دموکراسی در معرض نابودی قرار دارد.

اکنون بالای همه ما لازم است تا این نظام فساد سرمایه‌داری را از بین برده و نظام اسلام را به جای آن برپا کنیم! لذا باید نخست اسلام را آموخته و سپس وارد جنگ فکری و مبارزه سیاسی شویم؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حکومت اسلامی را همین‌گونه پایه‌گذاری نموده بود.

**عبدالکریم کاراهانی**

رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-قرغیرستان

برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۰ هـ.ق

۱۷ جولای ۲۰۱۹ م